

مرگ مشکوک ۴ نفر  
در کرمان

حوادث

توکلی-دوعضوبک خانواده به همراه یک زن و مرد در یک منزل مسکونی در کرمان به علت نامعلومی جان باختند. سرهنگ باقرزاده رئیس کلانتری ۲۰ کرمان گفت: مرگ این چهار نفر مشکوک است به دلیل این که دراز بیرون قفل بوده، بخاری روشن و همچنین فاقد لوله بوده است. وی با اشاره به این که دوروز از مرگ این افراد گذشته بود، اضافه کرد: احتمال می رود در ظاهر افراد اول مسموم شده و بعد به دلیل روشن بودن بخاری ونداشتن لوله بخاری دچار گاز گرفتگی شده اند.

در امتداد تاریکی

نگاه های حقارت آمیز!

و از همان لحظه به تیره روزی خودم گریستم. اگر چه من تا کلاس پنجم ابتدایی بیشتر سواد نداشتم اما با دیدن همسرم پای بساط مواد مخدر می دانستم که دیگر رنگ سعادت و خوشبختی را نخواهم دید. به همین دلیل نزد پدرم رفتم و ماجرا را بازگو کردم اما باز هم پدرم به نصیحت من پرداخت و دلداری ام داد که باید صبر کنم تا همسرم را از فرو رفتن بیشتر در منجلاب مواد افیونی نجات بدهم. در همین شرایط بود که اولین فرزندم به دنیا آمد و من سرگرم بچه داری شدم و بیشتر اوقاتم را صرف خانه داری می کردم. در همین حال «نصرت» هم به حال خود رها شده بود به طوری که آرام آرام به مصرف مواد مخدر صنعتی روی آورد. دیگر امیدیی به نجات او نداشتم چرا که می دانستم مواد مخدر صنعتی خانمان برانداز است. در همین روزها بود که با کمک یک فرد خیر اتفاقی در زمین ارثیه ای پدر همسرم در حاشیه شهر ساختم و فرزندانم را زیر بار و پرم گرفتم چرا که نصرت به دلیل شدت اعتیادش به مواد مخدر صنعتی کارتن خواب شده بود و در کوچه پس کوچه های شهر پسر می زد و با دستبرد به اموال مردم روزگارش را می گذراند. چند بار به جرم سرقت دستگیر و روانه زندان شد. من هم با کار کردن در بیرون از منزل چندین بار او را در مراکز ترک اعتیاد بستری کردم ولی همه تلاش هایم بی فایده بود. همسرم وقتی دچار توهم ناشی از مواد مخدر می شود دیگر به هیچ چیز رحم نمی کند و با تخریب لوازم منزل و توهین و تهمت های ناروا چنان آبروبریزی به راه می اندازد که فرزندانم از شدت خجالت خود را در منزل حبس می کنند. اکنون نیز به دلیل ترس از دستگیری، سرقت نمی کند ولی با دود کردن اسپند در چهارراه ها به گدایی روی آورده است به گونه ای که من و فرزندانم به دلیل نگاه های حقارت آمیز اطرافیان همواره در عذاب هستیم...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

دیگر آبرویی بر ایمان باقی نمانده است. فرزندانم به دلیل سرزنش ها و نگاه های تأسف بر انگیز اطرافیانمان خجالت می کشند از منزل بیرون بروند. من هم که روزگار تلخی را در کنار همسرم سپری کرده ام، اکنون بارفتارهای زشت و شرایط خجالت آور او فقط از شدت شرمساری سرم را پایین می گیرم تا از نگاه های مردم فرار کنم اما... زن ۴۸ ساله که گویی کوهی از غم را به دوش دارد، در حالی که مواد مخدر را موجب تباهی همسر و زندگی اش می دانست، کوله بار عقده های فروخورده اش را در اتاق مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سپارد مشهد گشود و اشک ریزان در تشریح سرگذشت تلخ خود گفت: امروز اشک ریزان به دامان قانون پناه آورده ام شاید چاره ای برای درمان همسرم پیدا شود و فرزندانم از نگاه های حقارت آمیز رهایی یابند، چرا که با همه این تلخکامی ها نمی توانم پدرشان را در این شرایط اسفبار رها کنم و از آه و نعرین او وحشت دارند. بدبختی های من از همان سال اول از دواجم آغاز شد و روزگارم رنگ سیاهی به خود گرفت. آن زمان ۱۸ سال بیشتر نداشتم که مرحوم پدرم به خواستگاری «نصرت» از من پاسخ مثبت داد و در حالی که هیچ شناختی از او و خانواده اش نداشتم، پای سفره عقد نشستیم تا قدم در خانه بخت بگذارم. آن روز پدرم گوشه چادر سفیدم را کنار زد و در حالی که با شادمانی صورتم را می بوسید در گوشم زمزمه کرد «دخترم! حال که با چادر سفید قدم به خانه شریک زندگی ات می گذاری باید روزی با همین چادر سفید (کفن) منزل او را عاشقانه ترک کنی و باید در شادی ها و غم های همسرت همواره او را همراهی کنی». من هم این جمله پدرم را آویزه گوشم کردم تا هیچ گاه همسرم را در سختی ها تنها نگذارم ولی... هنوز چندین ماه بیشتر از برگزاری مراسم ازدواج مان سپری نشده بود که روزی سیم و سنجاق استعمال مواد مخدر را در دستان همسرم دیدم



پیچیدم و محکم می کشیدم که در همین حال دوستم سنگ بزرگی را بر سرش کوبید و خواهرم جان سپرد و بعد هم جسد او را در همان منطقه انداختیم. وقتی مدتی از خواهرم بی خبر ماندیم پدر و مادرم گفتند که خوب بود او گم شد. شاید هم فکرمی کردند و به پاکستان رفته است. بنابراین گزارش تحقیقات با صدور دستور بازداشت وقت متهم از سوی مقام قضایی در حالی ادامه یافت که عصر روز نوزدهم بهمن سال ۱۳۹۴ همدست مورد ادعای متهم نیز دستگیر شد. اما او ادعا کرد که فقط به همراه «مجید-ر» (برادر مقتول) خواهر او را سوار موتور سیکلت اش کرده و به محل قتل کشانده است. گزارش اختصاصی خراسان حاکی است بعد از آن که متهمان با صدور قرار قانونی روانه زندان شدند، قاضی محمدرضا دشتیان (بازرس شعبه ۴۰۹ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) ادامه رسیدگی به این پرونده جنایی را به عهده گرفت و این گونه کارآگاهان با صدور دستورات ویژه قضایی به جمع آوری اسناد و مدارک انکار ناپذیری پرداختند که نشان می داد هر دو متهم در قتل دختر ۱۹ ساله نقش دارند. این گونه بود که روز گذشته متهمان این پرونده جنایی در حضور قاضی دشتیان به بازسازی صحنه جرم پرداختند. مجید (برادر مقتول) مدعی بود خواهرم با صفر (متهم دیگر پرونده) درگیر شد و در این لحظه او سنگ بزرگی را بر داشت و به سر خواهرم کوبید چون او آبروی ما را برده بود و من از اصغر خواستم تا در قتل خواهرم با من همکاری کند اما اصغر با تناقض گویی های متعدد در حالی که همه اسناد موجود را انکار می کرد در باره ماجرا گفت: من آن ها را با موتور سیکلت خودم به محل قتل بردم اما مجید با سنگ به سر خواهرش کوبید و او را کشت. گزارش خراسان حاکی است دو متهم این پرونده جنایی در پایان بازسازی صحنه قتل و با صدور دستوری از سوی مقام قضایی روانه زندان شدند تا این پرونده نیز دیگر مراحل قانونی خود را طی کند.

با تناقض گویی متهمان در بازسازی صحنه قتل ادامه یافت

«سنگ خون آلود» معمای جنایت ۱۳ ساله

این پرونده را به عهده گرفته بود با استعلام از اداره مذکور به چندین آدرس در مناطق مختلف رسید از گذشت ۱۰ سال از ماجرای کشف جسد دختر جوان، این پرونده جنایی در ناحیه ۴ قضایی مشهد توسط قاضی میرزایی مورد رسیدگی قرار گرفت. برای این مقام قضایی که در لابه لای اوراق تاریک پرونده به دنبال سرخی از کلاف پیچیده می گشت سوال بود که چرا در طول ۱۰ سال گذشته هیچ



همدست متهم به قتل



متهم به قتل (برادر مقتول)

این جوان ۳۶ ساله ابتدا بیان کرد که خواهرم «ز-ر» در منطقه تلگرد مشهد ساکن است و با شوهر افغانی خود زندگی می کند! همین اظهار نظر ظن کارآگاهان در باره دخالت او در قتل خواهرش را به یقین تبدیل کرد. متهم دقایقی بعد وقتی فهمید که کارآگاهان از قتل خواهرش اطلاع دارند دیگر نتوانست حقیقت ماجرا را پنهان کند. او گفت: خواهرم با افراد متعددی ارتباط داشت و آبروی ما را برده بود و حتی با یکی از همکارانم نیز ارتباط داشت تا این که به پیشنهاد همکار سنگ کارم او را سوار موتور سیکلت کر دیم و به سمت مهدی آباد به راه افتادیم. آن جا من روسری را دور گردنش

وقت ماجرای گم شدن وی را به پلیس گزارش نکردم اند؟ ریشه یابی این سوال بیانگر آن بود که احتمالاً اعضای خانواده وی در مرگ او دخیل هستند و برای پنهان ماندن قتل، موضوع را پیگیری نمی کنند. این گونه بود که قلم قاضی میرزایی روی برگه ای سفید در پرونده خطاب به کارآگاهان نوشت «از اداره... استعلام کنید تا سوابقی از خانواده، بستگان یا هویتی از فامیل «ر» به دست آید. همین دستور، رسیدگی به این پرونده جنایی را وارد مرحله جدیدی کرد. کارآگاه سلطانیان که با نظارت مستقیم سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی) پیگیری

سید خلیل سجادرپور- عاملان یک جنایت هولناک در حالی بعد از گذشت ۱۳ سال از وقوع قتل و به خاطر ترس از مجازات قانونی سعی دارند که قتل دختر ۱۹ ساله را به گردن یکدیگر بیندازند که شواهد و مدارک مستند نشان می دهد هر دو نفر آنان در قتل خواهر یکی از متهمان پرونده نقش داشته اند اما آنان روز گذشته در بازسازی صحنه جرم و در حضور قاضی محمدرضا دشتیان بازهم به تناقض گویی پرداختند. به گزارش اختصاصی خراسان صبح ۱۹ تیر ۸۴ شهروندان در تماس با نیروهای انتظامی از کشف جسد دختر جوانی در زمین های کشاورزی حاشیه جاده سرخس-مشهد خبر دادند و بدین ترتیب تحقیقات در این باره آغاز شد. جسد مربوط به دختری حدود ۱۹ ساله بود که روسری دور گردنش پیچیده شده و آثار وار آمدن ضرباتی با جسم سخت بر سر وی نمایان بود. تکه سنگ بزرگ خون آلودی که در نزدیکی جسد قرار داشت حکایت از آن می کرد که عامل یا عاملان جنایت، سر دختر جوان را با سنگ هدف اصابت قرار داده اند. این در حالی بود که هیچ گونه مدارک هویتی و شناسایی از مقتول به دست نیامد و جسد مجهول الهویه پس از انگشت نگاری به پزشکی قانونی منتقل شد. به دستور بازرس، پرونده قتل این دختر در حالی برای رسیدگی به اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی ارسال شد که هیچ گاه فردی گم شدن دختری با این مشخصات را به پلیس گزارش نکرد. حدود چهار ماه از ماجرای کشف جسد مجهول الهویه گذشته بود که بررسی های کارآگاهان با توجه به انگشت نگاری از جسد مشخص کرد دختر ۱۹ ساله دارای دو فقره سابقه روابط نامشروع است بنابراین کارآگاهان به تنها آدرسی که در پرونده زندان مقتول درج شده بود عزیمت کردند اما در اطراف روستای کنه بیست مشهد نیز کسی خانواده ای به نام «ر» را نمی شناخت و بدین ترتیب استعلام از دیگر مراجع قانونی هم برای یافتن آدرس جدیدی از «ز-ر» بی نتیجه ماند

ضمن تشکر از اعتماد هموطنان عزیز بنا به درخواست فروش کتاب این آگهی تمدید شد

شانس خود را امتحان کنید

زمان قرعه کشی اعلام می شود

تعداد محدود و تحویل فوری کتاب در محل

تنها با خرید یک جلد کتاب به مبلغ ۷۵۰۰۰ تومان در قرعه کشی شرکت کنید

برای ده نفر ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۱- کتاب نسخه های شفابخش درمان بیماریهای شما و داروخانه ی گیاهی خانه شما (۵۰۰ صفحه)

۲- تحصیلات خارج از کشور، شامل پانصد آدرس دانشگاه همراه با اخذ بورسیه، کمپ دانشجویی، دانشگاه مکاتبه ای و نامه نگاری با معرفی به یکی از دانشگاه های خارج از کشور جهت ادامه تحصیل (۳۰۰ صفحه)

تحويل کتاب به روز از طریق سامانه ۵۰۰۰۱۰۷۰۸۴۴۱۳۱۷

عدد ۱ جهت نسخه درمانی ۲- تحصیلات خارجه

سفارش تلفنی: ۰۹۳۳۳-۱۱۱-۸۰۶ / ۰۹۱۵-۴۸۴-۷۷۵۷

با سایت: www.shamimesabz.com

نصب رایگان

Tiss Lift

گروه تولیدی و بازرگانی تیس لیفت

سیستم رمز گذاری طبقات آسانسور (برد کدینگ)

قابل نصب بر روی تمامی آسانسورها  
هر نوع تابلو فرمان و شستی کابین  
سهولت نصب و کاربری آسان  
دارای برد سخنگو برای راهنمایی کاربر در تمامی مراحل  
مجهز به سیستم زمانبندی استفاده از آسانسور در ساعات مختلف شبانه روز  
دارای صفحه نمایشگر LCD  
سهولت تغییر و حذف رمز از داخل کابین

● VIP شدن دسترسی به طبقات  
● بالا رفتن امنیت واحد ها  
● در هر طبقه  
● جلوگیری از رفت و آمدهای افراد متفرقه به طبقات  
● امکان قفل کردن آسانسور بعد از استارت مشخص

دفتر مرکزی: بزرگراه آسیایی  
آزادی ۱/۱۳۱/ پلاک ۴

تلفن: ۰۵۱۳۶۵۸۱۰۰۰ - ۰۵۱۳۶۵۸۹۰۰۰  
مدیر بازرگانی: ۰۹۱۵۲۱۵۷۷۶۳ (ناقب)

info@tisslift.com  
tiss.lift  
@tiss\_lift

نویسندگان شفافش

حجاست و درمان های سستی

آشنایی با دانشگاه های خارج کشور (منتخب ۵۰۰ دانشگاه)

اصول نامه نگاری به زبان انگلیسی

۱- کتاب نسخه های شفابخش درمان بیماریهای شما و داروخانه ی گیاهی خانه شما (۵۰۰ صفحه)

۲- تحصیلات خارج از کشور، شامل پانصد آدرس دانشگاه همراه با اخذ بورسیه، کمپ دانشجویی، دانشگاه مکاتبه ای و نامه نگاری با معرفی به یکی از دانشگاه های خارج از کشور جهت ادامه تحصیل (۳۰۰ صفحه)

تحويل کتاب به روز از طریق سامانه ۵۰۰۰۱۰۷۰۸۴۴۱۳۱۷

عدد ۱ جهت نسخه درمانی ۲- تحصیلات خارجه

سفارش تلفنی: ۰۹۳۳۳-۱۱۱-۸۰۶ / ۰۹۱۵-۴۸۴-۷۷۵۷

با سایت: www.shamimesabz.com